

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۲۶ جون ۲۰۱۵

قابل توجه داکترسید خلیل الله هاشمیان مدیر مسؤل مجله "آئینه افغانستان!"

جناب آقای داکترسید خلیل الله هاشمیان! شما مثل یک دیکتاتور خشن ساطور را در دست گرفته اید هر آن کس که علیه و یا خلاف نظرات و نوشته شما حقیقتی را بیان کند، بدون آن که به اشتباه تان متوجه شوید بالای مخالفان تان گذار رستمی می نماید.

محترماً. امروز ما در قرن ۲۱ زندگی می کنیم در شرایط فعلی که من و تو زندگی می کنیم حق و حقوق مساوی داریم، نه من حق دارم که شما را مانع شوم و نه شما حق دارید که بنده و دیگران را مانع شوید، لطفاً پای تان را به اندازه گلیم تان دراز کنید. شما به اساس کدام جواز و اجازه این حق را کسب نموده اید، هر افتراء، بهتان و دروغی که دل تان خواسته باشد بنویسید و دیگران به خاطر خشنودی شما دست زیر الاشه بنشینند و حیثیت یک سیلین را اختیار نمایند، و در مقابل دروغهای شاخدار شما خاموش باشد. چون شما سید و والا مقام هستید و دیگران (نه).

شما که به ۳ سال محبوسیت پدر تان در زمان اعلیحضرت محمد نادر شاه و صدارت محمد هاشم خان تمام خوبی های آن دوره را به صفر ضرب می کنید آیا این گونه تفکر شما تفکر منصفانه و عادلانه است. شما می نویسید، که پدرم در زمان صدارت محمد هاشم خان و پادشاهی محمدنادرخان به خاطر دوستی به شاه امان الله خان به سه سال زندانی محکوم گشت. زمانی که من در وزارت عدلیه به حیث خرنوال کار می کردم در قانون مدنی و جزا به بسیار جرایم خفیه سه و چار سال زندان تعیین شده بود، نظر به این فرموده شما آیا غازی امان الله خان در تمام افغانستان پنج – شش دوست داشت یا میلیونها افغان، اگر پنج یا شش نفر هوادار داشت پس گفتار تان را ما قبول میکنیم، ولی به نظرم محصل استقلال غازی امان الله خان در افغانستان به میلیونها طرفدار داشت و دارد، چرا محمد نادر خان و محمدهاشم خان تمام آنها را به زندانها نینداخت که تنها پدر بزرگوار شما را زندانی ساخت، به هر صورت.

جناب عالی هاشمیان. شما در اعتراض نوشته من که بالای نوشته شما کردم، شما بنده را به حیث وکیل مدافع مرحوم شهید داوودخان قلمداد ساختید، بلی آقای سید! من همیشه در مقابل جفنگیات، دروغهای شاخدار بی سر و پا مغرضین از حق دفاع کرده ام و در آینده نیز خواهم کرد

پدرم با سه برادر به خاطر دوستی با شهید داوودخان در اواخر ماه ثور ۱۳۵۷ از طرف حکومت آن وقت به شهادت رسیدند. من و یک برادر دیگرم به نام عبدالولی به تاریخ ۹ ثور ۱۳۵۷ به نام هوادار مرحوم داوودخان زندانی شدیم. من باید در مقابل جفنگیات غیر اصولی و دور از انصاف شما و امثال شما واقعیت ها را بیان کنم.

آقای هاشمیان!

من در مورد قضاوت‌های یک عده از هموطنان خود هک و پک و حیران ماندم ، شخصی که قانون را تطبیق می کند وی را هم خوش نداریم و آن کسی که قانون را تطبیق نمی کرد وی را هم.

آقای هاشمیان، شما که خویش را یک شخص دانشمند، صاحب علمیت و فضیلت وانمود می سازید نباید به خاطر یک گناهی که از شما سر زده مرحوم داوودخان و مرحوم نعیم خان را ملامت، گنهکار و مسؤول سازید، شما از من کرده خوبتر به لایحه تقرر و عزل مأمورین وزارت خارجه بلد و آشنا هستید. تا جایی که به من معلوم است در آن وقت کسانی که مأمور وزارت خارجه می شدند، نمی توانستند زوج خارجی داشته باشند، زمانی که شما به حیث مأمور سفارت افغانستان در لندن توظیف شدید شما در لندن با یک خانم سیتزن انگلیس ازدواج نمودید که از ثمره آن ازدواج خالق پاک به شما یک فرزند مقبول و نازنین به اسم (احمد) داد، سؤال من در اینجا اینست که آیا به شما سردار محمد نعیم خان که در آن وقت وزیر خارجه بود گفته بود که لایحه اصول و مقررات استخدام مأمورین وزارت خارجه را زیر پا کرده، برو با هر کسی که از هر کجا باشد عروسی کن؟؟ یا این کار به خوشی خود کردید؟؟. اگر شما این کار را به هدایت مرحوم نعیم خان کرده باشید، و وی شما را به این خاطر از وزارت خارجه راند، راستی که آنها در حصه شما جفا، بسیار بد ، ظلم و ناروا کرده، شما حق دارید هر چی که برایش میگویند بگوئید ، بعد از این من چپ من گنگه. و اگر شما این کار را به رضا و رغبت خود نموده اید. گناه از شما است نه از سردار نعیم خان و محمد داوودخان، آنها طبق دستور قوانین نافذ دولت آنوقت بسیار خوب کردند که شما را از وزارت خارجه اخراج نمودند.

آقای هاشمیان!

در نوشته من به نام (سردار محمد داوود را باید از سر شناخت) من هم بالای بعضی موارد و کارکردهای داوودخان انتقادات کردم. داوودخان پیغمبر و معصوم نبود که خالی از سهوا یا خطا باشد. شما به حیث یک فرد افغان حق دارید که بالای کارهای وی انتقاد نمائید البته انتقاد سالم نه هرزه گوئی، بهتان و دشنام.

همچنان باید متوجه باشید این حق مدنی من است که از کارنامه های نیک مرحوم داوودخان به شکل اصولی و حقیقی دفاع نمایم. اگر شما این حق را از من سلب می سازید شما به کدام جواز و اجازه این حق را به خود داده اید که در هر مسأله مداخله کنید، انصاف خوب چیز است.

لیونی پاچا صاحب .

من در نوشته قبلی که بالای تبصره شما که از کتاب غوث الدین فایق یاد نموده بودید، من اسم آن نواسه شهید داوودخان را به شما نوشتم و اظهار نمودم که وی نزدیک شما زندگی می کند لطفاً این موضوع را از وی بپرسید، من در نوشته خویش از تهمت غوث الدین فایق که بالای برادر من نیز نموده بود معلومات دادم، چرا به حقیقت گفتن دیگران نارام می شوید.

آقای فضیلت ماب سیدالساداتین آقای هاشمیان! حالا جهاد ختم گردید، در آن وقت اشغال افغانستان شما هر چی که در مجله آئینه افغانستان نوشتید ما هم مثل بونده های قو کردگی گردن کج نشستیم و هر آنچه که گفتید خاموشی اختیار کردیم، حالا که نه دیگر روس شوروی و نه قاضی حسین و مولانا فضل رحمان است، حالا وقت آنست تا در مورد اعمال گذاشته خود قضاوت همه جانبه کنیم، امروز مسایل میهنی شکل دیگری گرفت. حالا وقت آن رسیده تا حقایق برملا شود که (کی ، کی بود و کی، چی کرده).